



عکس علی رضا پنهان

جمهور افلاطون بیانیه سیاسی است

گفتگو با دکتر محمد ضیمران

دکتر محمد ضیمران، استاد دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد فلسفه هنر استودی در این گفتگو گویشگر جنبه‌های نظری و تئوریک ارتباط بین هنر و سیاست را مورد بررسی قرار داده است و ارتباط بین نظریه هنر برای هنر با امر سیاسی را تجزیه و تحلیل می‌کند. وی معتقد است در دوران‌های تاریخی مختلف هنر متدین در مواجهه با امر سیاسی، آثار هنری بسیار گوناگون و متفاوتی را خلق کرده‌اند.

تلفیق شعار هنر سیاسی چیست؟ از لحاظ نقطه نظر تاریخی، هنر و سیاست همواره از دیرباز با هم ارتباط داشته‌اند. نگاه تمدن‌های کهن، رنسانس، ناپلئون و تندیس‌هایی باقی مانده که قدرت‌ها را می‌تابانند، چنگ‌های و به‌طور کلی نبردهای گوناگون با دانشمندان ارتباط کرده و آنها را از این طریق پایدار ساخته است. امروزه حتی چاپ، تصویر برداری یا پنهان‌سازی و به‌طور کلی همه قدرت‌ها را می‌تابانند و نزدیک به قدرت است. می‌توان گفت مناسب‌ترین بیان هنر و سیاست از دوران افلاطون در فلسفه فلسفه مورد بحث قرار گرفته است. افلاطون در اثر گزاف، سنگ خود «جمهوری» - هنر را در جمله اولی مورد بحث قرار داد و به‌خصوص دختر سوم و پنجم و دهم این رساله موقع و مقام هنر را به لحاظ سیاسی تبیین کرده است. از این زمان است که بحث سمبولی هنر و فلسفه از عهد کلاسیک تا امروز مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان گفت مناسب‌ترین بیان هنر و سیاست در طول تاریخ همواره صورت‌های گوناگونی به خود گرفته است. می‌توانیم این مناسب‌ترین را در چهار چوب کلی مدنظر قرار دهیم: نخست هنر و امر حمایت و هواداری از قدرت، منظره‌ها و امر وید و نقد هنر از امر مقاومت در برابر قدرت‌های سلطه‌جو مطرح می‌کنیم اگر سیاست را به معنای معدود آن - یعنی قدرت دولت و سازمان‌ها و احزاب سیاسی - مدنظر قرار دهیم هنر بدو امر خدمت

نمای حاکمه عمل کرده است. بدین معنا که هنر در این چهار چوب کوچک سده تا قرن بیستم حاکم بر ارتباط بین حاکم و ملت بوده است. حاکم را شکست می‌دهد. جلوه‌ها یا جنگجویان دولتی را در چهار چوب منزلتی والا ترسیم کند. برای مثال در فیلمی که لنی ریفنشتال (Leni Riefenstahl) موسس و به‌طور کلی از دهه ساختن بیشتر آدولف هیتلر را به عنوان ناجی و نیروی ایزدی که از روی کار بازاری نجات قوم آریمن ناز را کرده است، ترسیم کرده است. با در نظر گرفتن این که ژانر کلمه و عظمت حزب و جنگجویان روسیه شوروی تصویر شده جنگلی به تأیید و به‌طور کلی تسلط بر ساخته شده است. هنر در چالش با سیاست و قدرت نیز وجه دیگری از این مناسب است. مستطوب می‌شود برای مثال تابلوی معروف فرانسویسک خوزه گویا (در رسم انجام سوم ماه ۱۸۰۸) بدو در تأیید وطن پرستی اسپانیایی و افتخار و خشونت قوای حاکم نقلی شده است. بالاروشن مارا رومارک (Erich Maria Remarque) در اثر معروف خود «آتش در جبهه غرب» جنگ را معجزه کرده و آن را ایزداری در خدمت ماشین جنگی آلمان ترسیم کرده است. این گونه هنر را می‌توان هنر تخریبی نامید و بعضی هم آن را هنر انقلابی یا هنر انقلابی نامیده‌اند. برای مثال در آثار هنری به‌طور کلی و به‌طور کلی برای تاریخ نقد اجتماعی است. برای مثال فیلم معروف آل نورتر (El Norte) سیاه استعاری تیرمیس آمیز مهاجرت در آمریکا را به یاد افتاد گرفته و بی‌عقلی‌های ناسی از این سیاست‌ها را مورد انتقاد قرار داده است. با جان لستاین یک در میان «خوش‌بختی خشم» خود به سیاست‌های طبقاتی حاکم بر جبهه آمریکا در دوران خود را ساخت به چالش گرفته است. برای مثال می‌توان گفت آثار آکسیر و پوپستی آلمان نظام اجتماعی حاکم را به یاد افتاد گرفته‌اند. در قرن بیستم اکثر هنر متدین اوقات کار، هنر را برای برتری برای انتقاد اجتماعی شمرده‌اند. برای مثال جنبش دادگوشی مستقیم شرایط اجتماعی را زیر سؤال می‌برد. در

حوزه نظریه‌ها آثار بلژیک - نویسنده معروف فرانسوی - و از جمله «کندی انسانی» شرایط حاکم بر طبقات اجتماعی را مورد نقد قرار داده و به‌طور غیر مستقیم نظام سوسیالیستی را مورد تأیید قرار داده است. هنر کسلی چون تندیس آدولف - فیلسوف آلمانی - هنر را وسیله‌ای برای نقد آن به عنوان ابزار سرمایه‌داری و روابط بازار شناخته‌اند. تفاوت‌های هنر ایدئولوژیک و هنر متعهد چیست؟ ماجرای هنر متدین در خدمت حاکمیت تاریخی پس طولانی دارد. من در اینجا برای روشن شدن موضوع مثالی را از آثار فرانسویسک گویا می‌آورم. تابلوی وجود دارد موسوم به جان ماروتل اوزور بو مارک هوزونیکا (Don Manuel Osorio Manrique de Zuniga) در نگاه اول، کودکی غریب در آن تجسم یافته که نموده از معصومیت است. در دست این کودک نخی است که به پای کلانی بسته شده و در آن طرف آن گویا به چشم‌های نگران نگاه می‌کنند. هر چند که در بدن او این کودک معصوم به نظر می‌رسد اما او خود شریک جنی بی‌پرواست. کلاغ با انتظار خود مقابله را به سمت تماشاچی نگاه داشته است که روی آن نوشته شده «هر کسی که گویا» که در واقع هنر مند به زبان تصویری گوشه‌ای است. مخاطرات ناشی از تهدید هنری را برای مخاطب آشکار کند. هنر متدین کودکی است که ممکن است شرایط او را به سمت ایدئولوژی حرکت دهد تا قبل از قرن هجدهم، هنر در اروپا ماهیتی شجاعانه و انقلابی داشت اما رفته رفته زبان هنر متدین بی‌پرواست شد و هر چیزی را بدون قید و شرط و ابهام و تضاد بیان می‌کنند. آنها مسائل سیاسی و اجتماعی را بدون هر گونه پرده‌پوشی بیان می‌کنند. به قول فرانسویسک گویا «هنر قدرت و اقتضای همواره در حال عمل است» بدین معنی است که هنر قدرت را چالشی در برابر آن قدرت است. هر چه در این معنی است هر چه در قرن بیستم که اینها امپری بوده، هنر در جنگ به عنوان نظام

سیاسی بود. در موضع سلطه قدرت‌های سلطنت‌جو قرار گرفته از جمله در ایتالیا در سال ۱۹۳۲ پاپ موسولینی و در آلمان سال ۱۹۳۳ هیتلر فرهنگ سیاسی را به دست و سوسیالیستی حرکت دادند که با ایدئولوژی همراه بود. در جوامع اروپایی، مزبور عناصر زیباشناختی مورد بهره‌برداری قرار گرفته در واقع آنها جلوه‌ها توسط هنر را پایه‌ریزی کردند که در آن دستاوردهای شکوهمند گذشته اروپا از جمله دستاوردهای فرهنگی یونان و روم کهن، زمین‌ساز هنر تازمانی شده که به موجب آن تولد نژاد قوم و ملت مزبور مورد تأکید قرار گرفته و در واقع ایدئولوژی فاشیسم ریشه تاریخی خود را در گذشته‌های دور تدوین کرده گویا به عنوان زین تباریافت و روشنگری آلمان گوشه‌دار ناهنر متدین اکبر سوسیالیست آلمان از جمله هاس ویزمانی را به عنوان ده - تاریخ خوش در جهت ایدئولوژی زین کردن هنر به نظر گویا، آیزمان و همکاران هنر تولید هم به قومیت آلمانی مدد می‌رساند و هم روح قوم آلمانی را اطراف تاریخی می‌بخشد. ده نگاه تباری آلمان به سرپرستی گویا می‌گوشید تا آلمان‌های هنر و روم یونان کهن را احیا کند و بر افتخارات هنری و فرهنگی قوم آلمانی بیفزاید. هنر متدین چون سانسور و یونانی و هاس هولیان نیز در همسایه‌ها گام نهادند اما هنر در سال ۱۹۳۳ ضمن یک سخنرانی مهم اعلام کرد که آکسیر سوسیالیسم به هیچ وجه با آلمان‌های تازمانی آلمان سازگار نیست. بدین ترتیب گویا نیز به سرکوب هنر مزبور به عنوان هنر منحط اقدام کرد. در سال ۱۹۳۷ دولت ضمن انتشار فهرست هنرهای منعقد کارها و آثار تولید و دیگران را از انتشار از منضم اعلام کرد. در این فهرست آمده است که هنرهای ممنوع اغلب اشعار فرم و تحلیل گروه‌های منعقد یا تبلیغ می‌کنند. از جمله هنر کوبیسم و کلاسیک است. سوسیالیسم حکومتی در این فهرست آثار هنری نو کلاسیک مورد دست‌انبار قرار گرفته تخمین گرای یونان باستان و از جمله کارهای پولی کلتوس مورد نقد و اعلام شده و به هنر متدین

